

## بررسی میزان کارآمدی قوانین موجود در حمایت از حقوق زنان و مهار جلوه های خشونت علیه آنان در ایران

زهره محمدی

کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

### چکیده

در این پژوهش که به مساله خشونت علیه زنان می پردازد پس از بررسی عواملی از قبیل عامل اقتصادی، قدرت مردان در سازمانهای نظارتی، عدم وجود سازمانهای حمایتی و پشتیبان، عامل سیاسی و دینی و نقش این عوامل در ایجاد خشونت علیه زنان در نهایت به تفصیل بر نقش عامل قانونگذاری و سیاست تقنینی ایران در این مساله اشاره شده است. به عبارتی نقش این عامل به عنوان یک بعد مهم از ابعاد ایجاد خشونت با بررسی قوانینی که با دیدگاه تبعیض آمیز بستر بروز خشونت را به اشکال گوناگون ایجاد کرده اند مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت پیشنهاداتی در قالب راهکار برای تعدیل فضای تبعیض آمیز و خشونت زا ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** زنان، خشونت، تبعیض، قانون، عوامل، موازین فقهی

## ۱- مقدمه

خشونت علیه زنان مساله ای است جهانی که در همه کشورها فارغ از توسعه یافتگی یا عقب ماندگی یک کشور، علیه زنان اعمال میشود و در هر جامعه ای بنابر مقتضیات فرهنگی، تاریخی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی، انواع مختلف خشونت علیه زنان وجود دارد. جامعه ایران نیز متأثر از باورهایی که ریشه در فرهنگ و اعتقادات مذهبی دارند همین ذهنیت را دامن میزند. به بیان دقیقتر با وجود تحولات همه جانبه ای که از گذشته تا به امروز در موقعیت زنان ایجاد شده بازم نمیتوان حکمرانی باورها و عقاید کهن را بر فضای فکری جامعه نسبت زنان انکار کرد. عقایدی که ریشه در جنس دوم بودن زن دارد، عقایدی که در لباس تعصب های جاهلانه و غیر معقول بر زنان بار میشود و رفتارهای تحکم آمیزی که نشأت گرفته از جنس برتر دانستن مرد میباشد. تمام این موارد ناشی از فرهنگی است که دوگانگی و تبعیض را درون خود به همراه دارد که در نهایت منجر به تولد فرزندی به نام تبعیض و درانتها خشونت میشود.

## ۲- ادبیات پژوهش

## تعریف خشونت

خشونت مفهومی گسترده دارد و از ابعاد مختلفی میتوان تعاریف متعدد از آن به دست داد بنابراین در تعریف آن اختلاف وجود دارد. مهمترین دلیل اختلاف آن نیز کاربردهای مختلفی از جمله ادبی لغوی حقوقی اجتماعی و ... است. (به کوشش بنیاد دایرة المعارف اسلامی، (۱۳۶۲) ص ۹۲)

خشونت در لغت به معنی درشتی، زبری، وضع خشن، تندی و پرخاشگری آمده است (عمید، ۱۳۹۰ ص ۷۵) البته خشونت مفهومی نسبی است زیرا در هر محیطی مفهوم خاصی دارد و می تواند شامل هر اقدامی علیه جسم، جان، شرف، مال، حقوق فطری، طبیعی و معنوی افراد و هویت ها و هنجارهای اجتماعی گردد. از این رو دانشمندان هر حوزه از جمله جامعه شناسان، حقوقدانان، هر کدام تعریف خاص خود را از خشونت دارند. برخی خشونت را به عمل فرد معین که به جان، مال و شرف دیگران تعرض میکنند تعبیر کرده اند، برخی خشونت را به اشکال افراطی رفتار پرخاشگرانه که ممکن است آسیب های مشخصی به قربانی وارد سازد معنا کرده اند (اعزازى، شهلا، (۱۳۸۰)، ص ۲۴) برخی دیگر گفته اند هر حمله غیر قانونی به آزادیها که جامعه رسماً یا ضمناً برای افراد خود قائل شده خشونت است. (مصفا، (۱۳۶۵) ص ۴۷-۴۸)

## تعریف خشونت علیه زنان

هدف از تعریف واژه خشونت سعی در ارائه مفهومی واضح از اصطلاح «خشونت علیه زنان» است. «خشونت علیه زنان» اصطلاحی است تخصصی که برای توصیف کلی رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان به کار می رود. به عبارتی در این نوع خشونت جنسیت قربانی پایه اصلی خشونت است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد خشونت علیه زنان را «هرگونه عمل خشونت آمیز برپایه جنسیت که بتواند منجر به آسیب فیزیکی، جنسی یا روانی زنان بشود تعریف کرده است، که شامل؛ تهدید، اعمال اجبار، یا سلب مستبدانه آزادی چه در اجتماع و چه در زندگی شخصی می شود».

سازمان بهداشت جهانی در قطعنامه ای خشونت علیه زنان را چنین تعریف کرده است: «هر نوع رفتار خشن و وابسته به جنسیت که موجب آسیب روانی یا رنج زنان می شود. چنین رفتاری میتواند با استفاده از تهدید، اجبار، یا سلب مطلق اختیار و آزادی در جمع یا خفا رخ دهد».

با توجه به این تعاریف خشونت علیه زنان تنها به مفهوم فیزیکی آن خلاصه نمی‌شود بلکه انواع گوناگونی دارد؛ از جمله خشونت لفظی به معنی فحاشی کردن، توهین، تحقیر، تهدید به آسیب رساندن و ... و یا خشونت روانی و عاطفی که به هر نوع رفتار یا گفتار خشن اشاره دارد که سلامت روحی و روانی فرد را مورد تهدید قرار می‌دهد مثلاً اهانت، تمسخر، تهدید به ازدواج مجدد، تهدید به طلاق، اعمال مالکیت، سوء ظن، بدبینی، حسادت و... خشونت فرهنگی، که به معنی محدود کردن خواسته‌ها و نادیده گرفتن مطالبات است که در هر فرهنگی به اشکال خاص خود بروز میکند.

خشونت تبلیغاتی که در تمام جوامع تبلیغات به دو روش می‌تواند زنان را مورد حمله قرار دهد؛ اول سوءاستفاده از زنان برای تبلیغات و دوم تبلیغات علیه زنان که هر کدام بنابر فرهنگ رایج در هر جامعه‌ای می‌تواند کاربرد بیشتر و کمتری داشته باشد، در واقع تبلیغات با دور کردن انسانها از ذاتشان و نقش دادن به آنها به خصوص زنان در سراسر دنیا، فرصت بهینه زیستن را از آنها گرفته و به صورت خشونتی پنهان آنها را در سطح ارضای غرایز نگه میدارد ( ایولین (۱۳۸۳) ص ۱۲۳). خشونت در محیط شغلی و خشونت‌های خیابانی که بیشتر به آزارهای جنسی می‌انجامد نیز از دیگر انواع خشونت است و در آخر خشونت خانگی و یا خشونت در محیط خانه که خود به نوعی هم تلفیقی از انواع خشونت است و هم اینکه منشا برای سایر خشونت‌ها چرا که آنچه در سطح جامعه اتفاق می‌افتد ابتدا درون خانواده شکل می‌گیرد و متقابلاً فضای حاکم بر جامعه بر خانواده اثر می‌گذارد. این نوع خشونت در بین تمام ملیت‌ها، طبقات و گروه‌های اجتماعی به چشم می‌خورد. اگر چه در اغلب جوامع امروزی، خشونت در خارج از خانواده جرم به شمار می‌رود اما به محض رخ دادن این امر در خانواده، قوانین و اخلاقیات حاکم در بسیاری از موارد عقب نشینی نموده و با سکوت و بی‌توجهی به تداوم آن یاری می‌رساند. ریشه این دوگانگی را باید در فرهنگ و اخلاق پدر سالارانه جست و جو نمود که با ممانعت از مداخله جامعه در حریم خصوصی در پی حفظ سلطه مرد در خانواده است. خشونت علیه زنان در واقع محصول ارزشهای پدر سالاری و توزیع نابرابری جنسیتی قدرت در خانواده است و زمانی اعمال می‌شود که مردان تهدیدی علیه قدرت مردانه خود و ارزشهای پدر سالاری احساس کنند. در یافتن علت این سلطه‌گری نتیجه‌ای که به دست آمده این است که آنچه در طول تاریخ زمینه ساز و تداوم بخش این مساله بوده، تأیید وجود پرخاشگری در مردان به عنوان پدیده‌ای زیست‌شناختی و طبیعی است. (گیدنز، ۱۳۷۳)

### عوامل ایجاد خشونت علیه زنان

در رابطه با عواملی که موجب خشونت علیه زنان می‌شود در چند دهه اخیر تحقیقات زیادی صورت گرفته و هریک از صاحب نظران در حوزه‌های مختلف و از منظر خود به بررسی و کشف علل خشونت علیه زنان پرداخته‌اند. روان‌شناسان در پی کشف علل زیستی و بیولوژیکی خشونت و رفتارهای پرخاشگرانه هستند و از این دید به بررسی خشونت علیه زنان پرداخته‌اند. از سوی دیگر جامعه‌شناسان از دیدگاه انسانی بر روی فرد و رفتارهای او و جامعه و تأثیرات آن بر روی فرد می‌پردازند. و از دیدگاه تأثیر عوامل محیطی از جمله خانواده، جامعه، گروه دوستان، فرهنگ، آداب و رسوم، دین و شرایط اقتصادی در پی کشف علل خشونت در افراد هستند و در مواقعی مجموعه رفتارهایی که تحت عنوان تربیت و یادگیری بر روی افراد اعمال می‌شود منشأ بروز خشونت می‌باشد. به طور مثال جامعه‌شناسان معتقدند افرادی که در زندگی خشونت را تجربه کرده‌اند و در محیطی بزرگ شده‌اند که شاهد رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به زنان بوده‌اند در بزرگسالی خود رفتارهای خشن نسبت به زنان خواهند داشت. از سویی برخی عوامل اقتصادی و فقر را در جوامع از عوامل بسیار مهم خشونت می‌دانند و براساس پژوهش‌های میدانی گفته‌های

خود را به اثبات می‌رسانند که خشونت در میان طبقات پایین و ضعیف جامعه بیشتر است. البته نباید فراموش کرد که خشونت در تمامی جوامع و در تمامی طبقات جامعه علیه زنان وجود دارد و معظلی در جامعه بشری محسوب می‌شود. (مجبی، ۱۳۸۰، شماره ۱۴)

از طرفی برخی عامل فرهنگ را سرچشمه اصلی خشونت علیه زنان می‌دانند. آداب و رسوم و عرف در بسیاری از جوامع به گونه‌ای است که خشونت علیه زنان را ترویج و حمایت میکند و آن را به جزئی از آداب و فرهنگ و رفتارهای روزمره افراد تبدیل میکند. با دقت بر عوامل گوناگون نمی‌توان نمیتوان پدیده خشونت علیه زنان را محصول تنها یک عامل به حساب آورد و مجموعه عوامل زیستی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی و خانوادگی و قانونی در تولد و ترویج این پدیده نقش داشته‌اند و نمی‌توان تمامی عوامل موجود را در یک مقاله گنجانید. اما برخی از عوامل در ایران ساختاری بوده و به گونه‌ای می‌توان گفت نقش بسزایی در ایجاد خشونت علیه زنان ایرانی دارند از این رو به ذکر این عوامل که به لحاظ گستردگی قلمرو میتوانند بستر ساز سایر عوامل خشونت را نیز باشند بسنده کرده و در نهایت به عامل قانونگذاری که هدف اصلی این پژوهش است با ذکر ابعاد مختلف موضوع و میزان تأثیر این عامل با جزئیات بیشتر پرداخت.

### عوامل اقتصادی و نقش آن در اعمال خشونت علیه زنان

یکی از عوامل مؤثر در بروز خشونت علیه زنان مسائل اقتصادی و وابستگی زنان در این زمینه به مردان است. با نگاهی اجمالی در سطح جامعه می‌توان دریافت که درصد زنان شاغل و دارای استقلال مالی در سطح جامعه ناچیز است؛ و این خود نشان دهنده عدم استقلال مالی بخشی از جامعه زنان می‌باشد، همین امر پیامد های منفی بسیاری در زندگی زنان به بار آورده از جمله وابستگی شدید مالی به همسر یا به خانواده و در نتیجه نادیده انگاشتن بسیاری از مسائلی که برخورداری از آنها ارتباط مستقیم با تمکن مالی زن دارد. از طرفی مسائلی مانند اختصاص حق طلاق به مردان باعث شده که بسیاری از زنانی که تحت تأثیر عوامل گوناگون ناچار از جدایی هستند در نهایت برای پایان دادن به رابطه خود ناچاراً از حقوق مالی خود میگذرند، و یا اینکه مرد با داشتن اجازه از طرف شرع و قانون می‌تواند مانع اشتغال همسر خود بشوند و این موارد خود مصادیقی از خشونت های اقتصادی علیه زنان است.

### قدرت مردان در سازمانهای نظارتی

در ایران سازمانهای نظارتی اعم از رسمی و غیررسمی، همچنین سازمانی و فردی جملگی در نظارت بر زنان با استفاده از اعمال قدرت و به کار گیری خشونت در سطوح نظارتی بر چگونگی انتخاب فردی زنان و دختران تأثیر میگذارند و با رفتاری که مخالف تفکر آنان باشد به سختی مقابله میکنند. خشونت مردان را در ایران می‌توان به صورت سازمان یافته در نهادهای نظارتی جامعه مشاهده کرد و در سطح فردی در رفتار افرادی مشاهده کرد که معتقدند جامعه را باید از زنانی که رفتاری نامناسب دارند پاک کرد به عنوان نمونه می‌توان از قتل های زنجیره ای به دست مردانی که خود را ملزم به حفظ نظم اجتماعی می‌دانند یاد کرد که زنانی را که به گمان آنان به خودفروشی می‌پرداختند به قتل رساندند. (جوانمرد)

### عدم وجود سازمانهای حامی و پشتیبان کننده

تجربه در سایر کشورها نشان داده است که وجود سازمانها و نهادهای حمایت کننده از زنان قربانی خشونت تأثیر بسزایی در کاهش روند خشونت علیه آنان داشته است. در این کشورها دیگر زنان به دلیل نداشتن مسکن، پول و

امنیت مجبور به تحمل خشونت در خانه و خانواده نیستند و از سویی مردان با دانستن وجود چنین مراکزی در رفتارهای خود تجدید نظر کرده و زنان را تنها و بی پناه نمی دانند که اجازه هر نوع رفتاری با زنان را به خود بدهند. بنابراین دایر کردن پناه گاههایی برای پناه دادن به زنان خشونت دیده به خصوص درخشونت خانگی تحت عنوان «خانه های امن» که در ساختار دولتی یا از طریق مراکز ملی و انجمن های مردمی ساخته میشوند کمکی مؤثر برای خروج به موقع، صحیح و متعارف بزه دیده از قلمرو خشونت بوده و از آوارگی، سرگردانی یا بازگشت ناخواسته او به قلمرو خشونت که نتیجه ای جز تکرار خشونت نخواهد داشت جلوگیری می کند. اما متأسفانه هنوز هیچ سازمانی برای حمایت از زنان قربانی خشونت به وجود نیامده است. درست است که نهادهای مشاوره و درمانی در این راستا فعالیتهایی انجام میدهند اما حتی اگر به کمک رسانی مشتاق هم باشند به لحاظ نداشتن امکانات قادر به انجام کمکی نیستند و تقریباً در هیچ یک از سازمانها راه حلی برای کمک رسانی وجود ندارد و از سویی تمام تلاش دولت ایران در جهت مخفی نگه داشتن و کوچک انگاشتن خشونت علیه زنان به خصوص خشونت خانگی علیه آنان است. بهزیستی امکاناتی را برای حمایت از زنان فراهم کرده اما به علت عدم اطلاع رسانی صحیح در این باره افراد جامعه و زنان از آن بی اطلاع هستند. (اعزازی، ۱۳۸۳) (شماره ۱۴)

### عامل سیاسی

انقلاب ۱۳۵۷ بر پایه مخالفت نیروهایی شکل گرفت که طی سالها با سیاست عصر پهلوی مبارزه میکردند، در جریان مخالفت ها دو نیروی بسیار تند و افراطی در عرصه مبارزات دیده می شوند:

دسته اول نیروهای مخالف و لاییک که سیاست های عصر پهلوی را خواست عوامل وابسته به امپریالیسم تلقی میکردند که از دید آنان سخن گفتن از حقوق زن کفر سیاسی بود و دسته دوم نیروهای مذهبی بودند که حضور زنان به خصوص زنان بی حجاب را نشانه لامذهبی و کفر تلقی میکردند و بر آن میتاختند.

این دو گروه مخالف که در خصوص این موضوع با هم همسو شدند و چون از نگاه هر دو جریان زنان شاغل و تحصیلکرده و بی حجاب نتایج سیاستهای استعماری و کفر آمیز شاه شناخته می شد، بلافاصله آنها را به عنوان نماد زنده وابسته به امپریالیسم و بی بند و باری کفر آمیز بر کرسی اتهام نشانند و خشونت علیه زنان را بر فرهنگ انقلابی ایران بار کردند. فرهنگی که خود به علت ریشه های دیرینه پذیرای چنین روند خشونت آمیزی بود، عامل سیاسی توانست در کنار قدرت ویرانگر سایر عوامل بستر فرهنگی جامعه را برای اعمال قدرت مردان علیه زنان آماده سازد و زمینه را برای تدوین آن دسته از قوانینی که خشونت علیه زنان را ترویج میکند مهیا نماید، بر پایه عوامل گوناگون فکری رفتاری سیاسی خشونت علیه زنان شکل قانونی به خود گرفت. (کار، مهرانگیز، ۱۳۸۱)، (ص ۱۱۵)

### عامل دین

جمعی از علما به استناد آیه ۳۴ سوره نساء و روایات منقول از پیامبر و رهبران دینی فتوا به جواز واحیاناً لزوم کتک زدن زنان صادر کرده اند. در برابر این فتوا برخی از مجتهدان و پژوهشگران دینی عقیده دارند از آیه ۳۴ سوره نساء و روایات نمیتوان به این نتیجه گیری نایل شد. استدلال آنان بر این پایه استوار است که معنی کلمه «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء کتک زدن نیست، روایات مورد استناد گروه اول اکثراً ضعیف است و در مقابل آن روایات بی شماری کتک زدن را منع کرده اند. حضرت رسول (ص) فرموده اند: «أ یضرب أحدکم امرأة کما یضرب العبد ثم یجا معها فی آخر الیوم»: آیا زنانتان را کتک میزنید چنانکه بردگان را و آنگاه در پایان همان روز با هم همبستر میشوید؟

از نگاه بعضی از مفسران دینی این روایت موضع دقیق و انسانی پیامبر را نشان میدهد و واضح میسازد که کتک زدن با عشق و مودت سازگار نیست. قرآن که بر وجود رابطه مودت آمیز و محبت آفرین در بین زن و مرد سخن می راند و حضرت محمد (ص) که کتک زدن را با عشق و شور زندگی در تعارض میبیند چگونه کتک زدن را فرمان میدهد؟ با وجود این در ایران امروز بیشتر مفسرین همچنان به معانی تحت الفظی متون دینی پایبند هستند و به سادگی نمیتوان تفاسیر تعدیل شده را به جای باورهای کهنی نشاناند که برپایه آن گفته میشود کتک زدن زنان در مواردی نه تنها مشروع است بلکه دستور بی چون و چرای دین است. از سوی دیگر در کتب فقهی گذشته و حال که امر به معروف و نهی از منکر یکی از فروع مهم دین شناخته شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر امر به معروف و نهی از منکر تأکید می ورزد. امر به معروف و نهی از منکر خاص زنان نیست و برای وجوب آن نیز در متون فقهی شرایط خاصی قائل شده اند، اما نظر به اینکه زن ایرانی مسلمان به لحاظ غیرت و ورزی نامحدود مردان همواره زیر نظر افراد خانواده، بزرگترها، ساکنان محله، پاسداران دین، نیروهای انتظامی و قضایی است در برابر نیروهای امر به معروف و نهی از منکر بسیار آسیب پذیر است. از انقلاب ۱۳۵۷ تا کنون شاهد بوده ایم که رفتار خشونت آمیز نسبت به زنان زیر پوشش امر به معروف و نهی از منکر و تحت لوای قید و شرط های شرعی توجیه شده و می شود. نظر به اینکه این قبیل فروع دین بعد از انقلاب در بدترین شکل ممکن مورد تأکید و تبلیغ قرار گرفت و در مواردی افراد کم سن، متعصب، هیجان زده، منقلب و جاهل به معنای دقیق امر به معروف و نهی از منکر مجری آن شدند، زندگی زنان ایرانی تحت تأثیر جهل امر و ناهی تلخ شد.

این نوع برخورد در قالب امر به معروف و نهی از منکر کاملاً اصل برائت را در زندگی زنان نقض کرده، طوریکه اکثر زنان نمی دانند باید چه نوع طرپوشش یا رفتاری داشته باشند تا گرفتار نشوند. به عبارتی از ضرورت امر به معروف و نهی از منکر که در متون دینی و فرهنگ اسلامی تحت شرایط خاصی به آن سفارش شده به طور نادرست علیه شئون انسانی زنان استفاده می کنند و متأسفانه هنوز مقاومت دینی سیاسی، فرهنگی در برابر آن شکل نگرفته و زنان همچنان به بهانه امر به معروف و نهی از منکر در معرض خشونت های رسمی هستند که بیشتر منشأ سیاسی دارد تا دینی (کار، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶)

### رویکرد قوانین ایران در حمایت از حقوق زنان

در ادامه این پژوهش این مسأله بررسی می شود که با وجود عوامل مختلفی که در بروز خشونت علیه زنان مؤثر هستند سیاست تقنینی ایران چگونه عمل کرده است؟ آیا قوانین موجود توانسته در کاهش نقش این عوامل مؤثر باشد؟ در یک نگاه کلی میتوان گفت قوانین ایران در این خصوص به سه بخش قوانین حمایتی، تبعیض آمیز و خشونت زا تقسیم میشوند که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار میگیرد.

#### الف: قوانین جزایی

در ماده ۶۱۹ تعزیرات اشاره شده: «هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد» در این ماده به طور خاص و براساس جنسیت و شرایط خاص زنان که آنان را در معرض بزه دیدگی قرار میدهد مورد حمایت ویژه قانونگذار قرار گرفته اند.

در ماده ۶۲۲ بیان میدارد: «هرکس عالماً عامداً به واسطه ضرب واذیت زن حامله موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد». این ماده به طور ویژه در

حمایت از زنان باردار است که مورد خشونت فیزیکی قرار میگیرند و جدای از قوانین عمومی که در رابطه با ضرب و جرح وجود دارد جرم انگاری شده است که خود گامی مثبت تلقی میشود

پیش بینی موادی همچون ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده نیز گامی رو به جلو در حمایت از زنان در زمینه محدود کردن خشونت های مالی است. در این ماده چنین آمده که: «هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه ۶ محکوم میشود...»

در ماده ۶۵۸ از زنانی حمایت شده که در نتیجه رابطه جنسی مورد خشونت واقع شده اند: «هر گاه ازاله بکارت غیر همسر با مقاربت یا هر وسیله دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد موجب ضمان مهر المثل است. در تبصره دوم همین ماده از زنانی حمایت شده که به راستی بزه دیده واقع شده اند و رضایت آنان به دلیل شرایط ویژه ای که دارند نمیتوانسته منشأ اثر باشد و نیازمند حمایت ویژه بوده اند. در این تبصره چنین آمده: «رضایت دختر نابالغ یا مجنون یا مکرهی که رضایت واقعی به به زنان نداشته در حکم عدم رضایت است»

این مواردی که بیان شد نقش حمایتی داشته که میتوان گفت وجود این قوانین دلگرم کننده و مایه امیدواری است اما در مقابل بخشی از قوانین نه تنها در کنترل و سرکوب خشونت نقشی نداشته بلکه گاه منشأ بروز خشونت علیه زنان هستند. زمانی که از خشونت علیه زنان سخن به میان می آید تبعیض و نابرابری آشکار ترین جلوه این خشونت است. با بررسی قوانین تبعیض آمیز و اقتراقی میتوان دریافت که قوانین به چه میزان در کاهش با افزایش خشونت علیه زنان نقش داشته اند. در این بخش به بررسی قانون اساسی پرخته میشود که به عنوان مهمترین قانون یک کشور با دقت در اصول آن میتوان نگاه حکومت و قانونگذار را در باب مسائل مختلف و حقوق افراد دریافت.

در اصل ۲۱ قانون اساسی چنین آمده که دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و برای ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مالی و معنوی او تدابیر لازم را اتخاذ کند. همچنین در بند ۱۳ اصل سوم به منزلت برابر زن و مرد مورد توجه قرار گرفته و دولت موظف به تأمین حقوق همه جانبه زن و مرد و تسائی عموم در برابر قانون شده است.

این برابری اصولی که بارها مورد تأیید قانون اساسی قرار گرفته در چهارچوب موازین اسلامی طراحی شده و بنابراین مشروط و مقید است، انگونه که همه افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت از قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند (صل ۲۰ قانون اساسی). به همین جهت هر جا که قوانین اسلام تمایزات حقوقی خاصی را بین زنان و مردان قائل شده اند نظام جمهوری اسلامی نسبت به آن متعهد و وفادار خواهد بود و قوانین داخلی نمیتوانند منصرف از آن تدوین شوند. مثلاً وقتی برداشت های رایج از دین چنان است که شرط رجولیت را برای قضاوت ضروری اعلام میکند چگونه میتوان با وجود تأکیدهای مکرر قانون اساسی بر اینکه زنان باید از همه حقوق انسانی، سیاسی و اجتماعی بهره مند شوند شرط مرد بودن را برای تفاوت داخلی حذف کرد؟ و یا با وجود شرط رجولیت برای ریاست جمهوری که در اصل ۱۱۵ اشاره شده چگونه میتوان ادعای برابری را پذیرفت؟

لذا برای تحول حقوق زنان در ایران لازم است که گروهی از کارشناسان امور دینی، فقها و جامعه شناسان و در مجموع کسانی که نیازهای روز را میشناسند با همکاری همه جانبه موازین اسلام را هماهنگ با تحولات اجتماعی و سیاسی مورد بحث و نظر قرار دهند و فقط در این صورت است که قانون اساسی برای تغییر موقعیت زنان توانا

میشود. به عبارتی چنانچه فقها و مجتهدین جامع الشرایط اوضاع زمان را مبنای بازنگری و تجدید نظر در چارچوب فقه شیعه قرار دهند بسیاری از موارد تبعیض آمیز در حقوق داخلی رفع خواهد شد. با وجود اینکه در قانون اساسی در بسیاری از موارد تأکید بر برابری زن و مرد شده اما این برابری مشروط شده است بنابراین تا زمانیکه اصول قانون اساسی و موادی از قوانین داخلی بر تبعیض زن و مرد استوار است و بر نابرابری تأکید دارد نمیتوان ادعای برابری زن و مرد از دیدگاه قانون را پذیرفت. (کار، ۱۳۷۶، ص ۱۹۷) در حوزه قوانین کیفری نیز قوانین تبعیض آمیز بسیاری وجود دارد که زمینه بروز خشونت علیه زنان را به خوبی فراهم کرده است که در ادامه به اهم موارد اشاره میشود:

### الف - قتل در فراش:

به این معنا که شوهر زن خود و مرد اجنبی را هنگامی که در حال ارتکاب زنا هستند بکشد. برابر ماده ۶۳۰ ق.م.ا و تبصره ث ماده ۳۰۲ قانون مصوب ۱۳۹۲ چنانچه شوهر همسر خود و مرد اجنبی را در چنین حالتی به قتل برساند از قصاص معاف میشود. این ماده یکی از موارد بارز خشونت علیه زنان است که خشونت را به صورت قانونی و موجه حق مردان دانسته و از موارد تبعیض علیه زنان به شمار میرود. درست است که این مقررہ متخذ از فقه است و مقنن در تصویب آن سوابق فقهی را در نظر داشته، اما مگر جز این است که که قوانین در جهت تأمین امنیت و اجرای هرچه بهتر عدالت وضع میشوند؟ پس چرا قانونی وضع میشود که نه تنها به ایجاد امنیت و جرم زدایی کمک نمیکند بلکه زمینه ناامنی و گسترش خشونت را در جامعه ایجاد میکند. چرا که پرده برداشتن از ابعاد مختلف این موضوع به راستی کاری بسیار دشوار و گاه محال است، چگونه میتوان در صورتی که قتلی با این ادعا صورت گرفت تصور کرد که تمام آن شرایطی که در فقه به آن اشاره شده مهیا بوده تا شوهر چنین اقدامی کند از طرفی حتی با این فرض که تمام شرایط هم وجود داشته آیا اینکه با تصویب چنین قوانینی به راحتی جواز مرگ و زندگی شخصی را در دست شخص دیگری قرار دهیم درست و عقلانی است؟ بنابراین چنین قوانینی تنها موجب افزایش ناامنی و خشونت علیه زنان میشود و موجب سوء استفاده شوهرانی که به هر دلیل دوست دارند همسران خود را به قتل برسانند. این ماده نه با اصول حقوق بشر و نه با معیارهای عرفی و اخلاقی و نه عقلانی قابل توجیه نیست.

### ب- سن مسئولیت کیفری:

در ماده ۱۴۷ ق.م.ا برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال در نظر گرفته شده که به راستی با واقعیت موجود متفاوت است. به دلیل مشکلات عملی و انتقادهای فراوانی که در باب این مسأله مطرح بود قانونگذار را بر آن داشت تا در جهت رفع این مشکل و تبعیض در قانون جدید مواد متفاوتی از گذشته وضع کند. بنابراین مطابق ماده ۱۴۶ افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند. ماده ۱۴۸ نیز به جای مجازات اقدامات تأمینی و تربیتی برای آنها در نظر گرفته است.

در تقسیم بندی جدید قانون اطفال به چهار گروه سنی زیر ۹ سال، ۹ تا ۱۲ سال، ۱۲ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال تقسیم شده اند. در خصوص اطفال ۹ تا ۱۵ ساله در صورت ارتکاب جرائم تعزیری تفاوتی میان دختر و پسر در نظر گرفته نشده اما در خصوص جرائم موجب حد و قصاص در همین گروه سنی ۹ تا ۱۵ ساله قائل به تبعیض میان دختر و پسر شده اند؛ به این شکل که اگر مرتکب جرم در این گروه سنی پسر باشد با توجه به اینکه پسران در این محدوده سنی هنوز به بلوغ نرسیده اند لذا مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی میشوند اما برعکس، دختری که در این محدوده سنی قرار دارد با توجه به اینکه به سن بلوغ شرعی رسیده ممکن است در معرض مجازات حد یا قصاص قرار بگیرد که به



واقع این تبعیض به نقض آشکار حقوق یک انسان براساس جنسیت می انجامد و این در حالی است که برای آنکه مسئولیت کیفری متوجه شخص باشد باید رشد عقلی او احراز شود و بلوغ شرعی ضابطه دقیقی برای احراز رشد عقلی نیست. اگر قانونگذار ملزم به تبعیت از موازین فقهی در این زمینه نبود زمینه ظهور دوگانگی در قوانین ایجاد نمیشد. چرا که این مسئله نیازمند تحلیل و بررسی از سوی صاحب نظران و تجدید نظر در برخی قوانین بر اساس ساختار جامعه امروز بشر است. همراهی هرچه بیشتر قوانین مصوب با مقتضیات زمانه به راحتی بخش مهمی از کاستیهای قانونگذاری امروز را که منجر به تبعیض در بسیاری از زمینه ها گشته حل و فصل میکند.

از دیگر قوانین کیفری که تبعیض جنسیتی در آن مشهود است قوانین مربوط به دیه و شهادت زن و مرد است. البته در خصوص تفاوت دیه در قانون جدید در ماده ۵۵۰ جبران نصف دیه از طریق صندوق خسارتهای بدنی پیش بینی گردیده که در جهت رفع تبعیض گامی مثبت تلقی میشود.

### قوانین خانواده:

قوانین خانواده بخش مهمی از زندگی زنان را تحت پوشش قرار میدهد و تأثیر زیادی در حقوق آنان دارد. فعالان حقوق بشر از سالها پیش آسیب پذیری زنان در قوانین خانواده ایران را مورد توجه قرار داده و خاستار اصلاح قوانین تبعیض آمیز و ناعادلانه که موجب خشونت علیه زنان میشود، شده اند. قوانین که در بسیاری از موارد خود زمینه بروز خشونت را علیه زنان ایجاد میکنند. از جمله این وارد تفاوت ارث بری زن و مرد است که گروهی در توجیه این تفاوت بیان میدارند که مرد به خاطر دارا بودن تدبیر عقلایی در زندگی، مخارج منزل را به عهده دارد و تأمین معاش خانواده و مدیریت اقتصادی به دست اوست و همین دلیل را برای تفاوت ارث بری کافی دانسته اند که این استدلال در حال حاضر منطقاً با واقعتهای جامعه نیست و زنان بسیاری هستند که در کنار مردان به کار و فعالیتهای اقتصادی میپردازند و جایگاه اجتماعی و خانوادگی زنان با گذشته تفاوت زیادی کرده است. یکی دیگر از مسائلی که زمینه های اعمال خشونت علیه زنان را فراهم میکند حداقل سن ازدواج است که در ماده ۱۴۰۱ قانون مدنی نکاح دختر قبل از ۱۳ سالگی و پسر قبل از ۱۵ سالگی را منوط به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت کرده است. نکته قابل توجه در این ماده این است که اجازه ازدواج برای کودکان زیر ۱۵ و ۱۳ سال را منوط به اذن ولی و تشخیص مصلحت تجویز نموده است و با قانونی ساختن ازدواج برای دختر بچه های زیر ۱۳ سال زمینه افزایش ازدواج های اجباری را ایجاد کرده است و به عنوان یک عقب گرد آشکار برای حقوق زنان در ایران محسوب میشود. چه خشونت بالاتر از اینکه کودکی که هنوز به هیچ نوع بلوغ فکری، جسمی و روحی نرسیده باشد به ازدواج شخص دیگر در بیاید.

یکی دیگر از موارد تبعیض آمیز اینکه زنان برای ازدواج از آزادی کامل برخوردار نیستند و این محدودیت تا زمانی که باکره هستند برای آنان وجود دارد که چنین محدودیتی برای مردان وجود ندارد.

یکی دیگر از مسائلی که نمود کامل خشونت و تبعیض علیه زنان محسوب میشود مسأله چند همسری است که به مردان این حق شرعی و قانونی را میدهد که با بیش از یک زن ازدواج کنند. در قوانین قبل از انقلاب این اختیار مطلق که به مردان داده شده بود با محدودیتهایی روبه رو شد و به نوعی حمایتی برای زنان در این زمینه محسوب میشد، اما بعد از انقلاب و طی مطرح شدن لغو قوانین غیر اسلامی، شورای نگهبان بدون اینکه صحبتی از لغو قوانین حمایت خانواده بکند تنها اعلام کرد که مجازات در نظر گرفته شده برای مردانی که بدون اجازه دادگاه همسر دوم یا بیشتر اختیار میکنند خلاف شرع است و بنابراین ازدواج مجدد بدون اجازه دادگاه را تجویز نمود و همین حمایت کوچک را هم از زنان دریغ کرد

یکی دیگر از مسائل تبعیض آمیز که زمینه بروز خشونت را فراهم میکند مسأله طلاق است که در قانون مدنی و طبق موازین شرعی به مردان اجازه داده شده که هر زمانی به هر دلیلی یا حتا بدون دلیل بتوانند تقاضای طلاق همراهِ خود را کنند اما یک زن چنین حقی نداشته و باید برای جدا شدن از همسر خود حتماً دلیل محکمه پسند داشته باشند. دستگاه قضایی ما در این مورد از ضعف قانونی سوء استفاده کرده و در عمل در بسیاری از موارد حتی با وجود دلایل قانونی و منطقی طلاق زنان را صادر نمیکند و پرونده های طلاق سالیان دراز برای به نتیجه رسیدن به طول می انجامد .

مسائلی که اشاره شد از جمله برجسته ترین مواردی است که تبعیض های ناروا علیه زنان را نشان می دهد که در نهایت منجر به اعمال خشونت میشود چرا که خشونت تنها به مفهوم فیزیکی آن خلاصه نمیشود بلکه همانطور که اشاره شد انواع گوناگونی دارد از جمله خشونت روانی، خشونت مالی، خشونت قانونی و...

با وجود اینکه تعداد قوانین تبعیض آمیز بسیار بیشتر از موارد مطروحه در این مقاله است اما در اینجا به تعدادی از مواردی که به وضوح موجب تبعیض و در نهایت بروز خشونت میشود اشاره شد. هدف از مطرح کردن این قوانین و بررسی این موارد این است که با وجود اینکه بعد از انقلاب در قانون اساسی به اعتلای جایگاه زن اشاره شد اما قانونگذار ایران از منع خشونت‌های روانی علیه تمامیت معنوی زنان در محیط خانواده ضعیف عمل کرده است. به عنوان مثال حکم مندرج در ۱۱۰۵ قانون مدنی و اعطای حق ریاست خانواده به شوهر این تصور غلط را در اذهان ایجاد میکند که همه فعالیتهای زن باید با اجازه شوهر باشد. همچنین ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی در خصوص حق شوهر بر منع زن از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانوائگی با حیثیات زن و شوهر باشد به طور عام بدینگونه که حق اشتغال زن منوط به اجازه مرد می باشد تفسیر شده است.

### ۳- نتیجه گیری

در پایان به عنوان نتیجه باید گفت هدف کلی از طرح و بررسی قوانین خشونت زا این است که بسیاری از مسائل وجود دارد که قانونگذار به آنها توجه نداشته و آنها را مورد شناسایی و جرم انگاری قرار نداده است. در واقع تا زمانی که به طور مشخص قانونگذار به مسأله زنان و حمایت از آنان و خشونت علیه آنان توجه نکند این خلأهای قانونی پر نمیشود. وقتی در قوانین ما موضوعاتی وجود دارد که برخی از مصادیق خشونت به شکل قانون درآمده و چهره مشروع و موجه به خود گرفته اند چگونه میتوان مدعی بود که در این زمینه مترقی بوده ایم؟ یکی از مواردی که میتواند بسیار تأثیر گذار باشد تغییرات در حوزه فرهنگ است که این مهم با فرهنگ سازی از طریق نهادهای حکومتی فعال در این زمینه ها از جمله رسانه های جمعی مثل صدا و سیما، مدیریت درست فضای مجازی، تألیف کتب و مقالات مرتبط با این موضوع، تعالیم مناسب در بستر آموزش و پرورش و به کار گرفتن روان شناسان، جامعه شناسان، نخبگان و متخصصین حوزه فرهنگ محقق میشود.

در خصوص باورهای دینی و اندیشه هایی که از فقه شیعه نشأت میگیرد لازم است فقها و دانشمندان علوم اسلامی با حفظ این اصول جواز تعدیل قوانین را بر اساس مقتضیات زمانه صادر کنند.

این مقابله مسائل شرعی و مقتضیات زمانه و اصرار بر پایبندی به اصولی که پاسخگوی نیاز امروز جامعه زنان نمیباشد تناقضی آشکار میان قوانین و واقعیت جامعه ایجاد کرده که با وجود چنین تناقضاتی نمیتوان ادعا کرد که در احقاق حقوق زنان موفق بوده اند. وقتی عدل و برابری رکن ذاتی اسلام است پس این اصل باید در قوانین و مقرراتی که رابطه بین زن و مرد و حقوق مربوط به آنها را تنظیم میکند هم متجلی باشد. بنابراین در کنار تلاشهای روشنفکران

نقش روحانیون روشنفکر می‌تواند بسیار تأثیر گذار باشد. خشونت علیه زنان مانعی در برابر دستیابی به اهداف برابری توسعه و صلح است. این خشونت برخورداری زنان را از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین نقض، تضییع یا سلب می‌کند (کار پایه عمل و اعلامیه پکن، مترجمان قاضی، میرسعید، آیدین، علی). بنابراین در کنار فعالیتهای فرهنگی و حقوقی نقش حاکمیت و دولت را نباید فراموش کرد. یعنی دولت باید از موضع انفعالی خود خارج شود و امکانات بیشتری در جهت فعالیتهای فرهنگی برای ارتقای جایگاه زنان ایفا کند و از طرفی دولت می‌تواند با پیوستن به کنواسیون محو کلیه اشکال خشونت علیه زنان و پیوستن و متعهد شدن به سایر اعلامیه‌ها به ارتقای قانون و فرهنگ و جایگاه زنان کمک شایانی کند.

### پیشنهادها:

در این قسمت پیشنهاداتی مرتبط با مهمترین عامل مورد بررسی در این پژوهش یعنی قانونگذاری ارائه می‌شود. اهمیت نقش قانونگذاری از این جهت است که قانون با تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی شهروندان عجین شده است پس به طور قطع قانونگذاری می‌تواند در کاهش آسیب‌های ناشی از خشونت یا از بین بردن خشونت علیه زنان موثر باشد، اگر قانونگذار با بهره‌گیری از قدرت و نفوذ خود به بهبود شرایط کمک کند میزان بزه دیدگان کاهش می‌یابد زیرا اندیشه قانونگذار تبلوری از اندیشه اکثریت جامعه‌ای است که آنها را به عنوان نمایندگان خود برگزیده‌اند، پس تصمیم‌های قانونگذار طبعاً انعکاسی از برآورده‌سازی مطالبات جامعه است بنابراین این تصمیمات در کمک بهبود وضعیت زنان می‌تواند بسیار موثر باشد. اقدامات قانونگذار در وضع قوانین حمایتی از جمله پرداخت نفقه، تأمین جانی و حیثیتی، تاکید برای استقلال زنان، امکان تقاضای زوجه برای جدایی، الزام زوج به طلاق با اثبات عسر و حرج، مقابله با مزاحمان خیابانی، حمایت از زنان باردار در برابر خشونت‌های فیزیکی، مجازات ترک انفاق، الزام به ثبت ازدواج و طلاق با هدف جلوگیری از سوءاستفاده مردان نسبت به زنان و برخورد با مردان فریبکار در ازدواج، اگر چه نیازمند تلاش‌های بیشتر در این زمینه است اما قابل ستایش است، گذشته از این موارد لازم است در زمینه پیشگیری از وقوع خشونت علیه زنان و کاستن خشونت‌های بالقوه، مقرراتی تصویب شود. مقرراتی با داشتن اهدافی از قبیل ترویج زندگی بدون خشونت، جرم‌انگاری خشونت‌های خانگی، جرم‌انگاری همسر آزاری، برخورد کیفری با موارد تبعیض جنسی در محل کار و هر گونه سوءاستفاده مبنی بر جنسیت یا آزارهای روحی در محیط‌های کاری از سوی کارفرمایان، همکاران، و حتی مراجعان مرد نسبت به کارمندان و کارگران زن، منع هر گونه بهره‌کشی از زنان در محیط کار و فعالیتهای غیر قانونی، همچنین اصلاح آن دسته از مقررات کیفری که مبتنی بر تبعیض است از جمله؛ مواد قانونی ناظر بر سن مسئولیت کیفری، همسر کشی، فرزند کشی و مقررات راجع به دیه و قصاص و در نهایت نیز توسعه امکانات قانونی استفاده از ضمانت اجرای مفید علیه مردانی که مرتکب خشونت‌های مبتنی بر جنسیت می‌شوند راهکارهای مناسبی در کاهش یا محو جلوه‌های خشونت خواهد بود.

### مراجع

- ✓ قرآن کریم
- ✓ قانون اساسی
- ✓ قانون مجازات اسلامی
- ✓ قانون مدنی
- ✓ قانون حمایت خانواده

- ✓ به کوشش بنیاد دایرة المعارف اسلامی، دانشنامه اسلامی، تهران، نشر بنیاد، دایرة المعارف اسلامی، (۱۳۶۲)
- ✓ عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات آگاه، ۱۳۹۰،
- ✓ اعزازی، شهلا، زنان کتک خورده، تهران، نشر سالی، (۱۳۸۰)
- ✓ مصفا، نسرين، مفهوم تجاوز در حقوق بین الملل، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۶۵)
- ✓ محبی، سیده فاطمه، ۱۳۸۰، آسیب شناسی اجتماعی علیه زنان، خشونت علیه زنان، شماره ۱۴
- ✓ جوانمرد، مقاله خشونت علیه زنان و انواع آن در پرتو گفتمان حقوق کیفری ایران در حمایت از زنان بزه دیده
- ✓ اعزازی، شهلا، ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه، سال چهارم، (۱۳۸۳) شماره ۱۴
- ✓ کار، مهرانگیز، (۱۳۸۱)، پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، تهران، روشنگران و مطالعات زنان،
- ✓ کار پایه عمل و اعلامیه پکن، مترجمان قاضی، میرسعید، آیدین، علی، ناشر: دفتر مشارکت امور زنان نهاد ریاست جمهوری
- ✓ طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۷ق)، تفسیر المیزان، جلد دوم، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء
- ✓ نجفی، محمد حسین، جوهر الکلام فی شرح سرائع الاسلام، نشر، چاپ هفتم
- ✓ گیدنز، آنتوتی (۱۳۷۳)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
- ✓ رید، ایولین (۱۳۸۳) آزادی زنان، ترجمه افشنگ مقصودی، نشر گل آذین، ص ۱۲۳
- ✓ The world health organization. [www.who.int](http://www.who.int).
- ✓ The human rights new's & information. [www.right's.info.com](http://www.right's.info.com)
- ✓ Declaration on the elimination of discrimination against women (1967)
- ✓ Declaration on the elimination of violence against women (1993)